محمدتقی سبحانی، مدیرکل ادیان و مذاهب سازمان تبلیغات اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هنوز با برخی مجرمان حادثه زاهدان برخورد نشده است

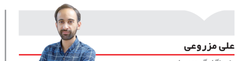

علی مزروعی
خبرنگار گروه سیاست

شهریورماه سال گذشته انتشار خبری پیرامون تعرضی که به یک دختر بلوچ صورت گرفته بود، واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت و احساسات عمومی جامعه سیستان‌وبلوچستان را جریحه‌دار کرد. مطالبه اصلی مردم سیستان برخورد با مسببان این فاجعه تلخ بود و نمازجمعه زاهدان نیز به یکی از بسترهای اصلی طرح و پیگیری این مطالبه تبدیل شده بود. اما سومین جمعه بعد از انتشار این خبر با روزهای قبل تفاوت داشت. ۸ مهرماه عده‌ای قلیل بعد از نمازجمعه شروع به پرتاب پراکنده سنگ به سمت کلانتری نزدیک مصلی نمازجمعه زاهدان می‌کنند؛ اما واکنش نیروهای حاضر در کلانتری منجر به رقم خوردن روز بسیار تلخی می‌شود. وزی که زخم‌های عمیقی بر پیکر جامعه سیستان‌وبلوچستان وارد شد و خانواده‌هایی از این استان را به سوگ عزیزان‌شان نشاند. زخم‌هایی که با گذشت قریب به ۱۰ ماه از آن روز تلخ هنوز التیام نیافته‌اند و هر روز که می‌گذرد با کهنه‌شدن آنها التیام‌شان نیز دشوارتر از پیش می‌شود. در گفت‌وگویی که با محمدتقی سبحانی، مدیرکل ادیان و مذاهب سازمان تبلیغات اسلامی داشتیم به عوامل رقم خوردن این حادثه تلخ، شرایط و مطالبات فعلی مردم سیستان‌وبلوچستان و راه‌کارهای برون‌رفت از شرایط فعلی استان که به‌شدت در معرض سوءاستفاده دشمنان قرار دارد پرداخته‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

111

وقتی راجع‌به جامعه سیستان‌وبلوچستان صحبت می‌کنیم دقیقا از چه حرف می‌زنیم؟ ارزیابی شما از فضای مذهبی، قومی و اقلیمی این استان چیست؟

زیبایی‌هایی که ما در زندگی شهری آرائی محروم شده‌ایم هنوز در آنجا جریان دارد. هنوز می‌توانیم زیبایی زندگی واقعی را در سیستان‌وبلوچستان ببینیم. کسی که یک‌بار به منطقه سیستان‌وبلوچستان رفته و با بدنه این مردم آشنا شده باشد، میزان صفا، صداقت، تدین، نجات و میهمان‌نوازی غیرقابل وصف این مردم را حس می‌کند و می‌فهمد. این مسواره را با هیچ‌چیز قابل عرض نمی‌کنم به میهمان‌نوازی محترم و عزیز است. بعضا دیده‌ام در سیستان‌وبلوچستان میهمان‌های یک‌ماهه دارند تا روز آخر هم همچون روز اول استقبال می‌کنند. برای ما که در تهران زندگی می‌کنیم اصلا قابل فهم نیست. شاید کسی باور نکند که ما ۱۱ ماه از شهید آبعلی هستیم، حتی شاید بعضا میهمان‌نوازی را در همین حد کشیده است. جهاد سازندگی از پیشانی شناخت مردم استان سیستان‌وبلوچستان با انقلاب بوده است و چه آشنایی خوب و صادقانه‌ای. شهید سبیل اخلاقی در یک منطقه محروم و دورافتاده چگونه انقلاب اسلامی را شناخته است. برای خود من سوال بود. چندین بار این توفیق را پیدا کردم خدمت پدر و مادر بزرگوار شهید برسم. یک بار، که به منزل‌شان رفتم پرسیدم. مادرش می‌گفت یکی از بچه‌های جهاد اینجا بودند من نان برایشان می‌پختم و پسر من با بچه‌های جهاد با انقلاب آشنا شد. بعد از انقلاب هم صحنه‌های زیبایی از شکست طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن می‌خواست با ایجاد یک خانواده ضدانقلاب در یک خانه بزرگ شده، همه طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن از یک جبهه‌ حرکت نگذشته و آن، استفاده از هر قومیتی، مذهبی و اقلیمی برای ضدیت با انقلاب بود. اما با انقلاب هم صحنه‌های زیبایی از شکست طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن می‌خواست با یک خانواده ضدانقلاب در هر استانی یک خانواده شاخص ایجاد کند. شکاف‌هایی که شاید بتوانند به‌عنوان یک محور وجود داشته باشد. من مثلا با برادر خود و خانواده خودم هم یک اختلاف جدی داشته باشم، اما یک خانواده هستیم. حتی شاید بعضا از همین دست نمونه‌های ما خانواده بودن ما برهمه هم‌استانی‌ها محترم و عزیز است. بعضا دیده‌ام در سیستان‌وبلوچستان میهمان‌های یک‌ماهه دارند تا روز آخر هم همچون روز اول استقبال می‌کنند. برای ما که در تهران زندگی می‌کنیم اصلا قابل فهم نیست. شاید کسی باور نکند که ما ۱۱ ماه از شهید آبعلی هستیم، اما یک خانواده هستیم. حتی شاید بعضا از همین دست نمونه‌های ما خانواده بودن ما برهمه هم‌استانی‌ها محترم و عزیز است. بعضا دیده‌ام در سیستان‌وبلوچستان میهمان‌های یک‌ماهه دارند تا روز آخر همچون روز اول استقبال می‌کنند. برای ما که در تهران زندگی می‌کنیم اصلا قابل فهم نیست. شاید کسی باور نکند که ما ۱۱ ماه از شهید آبعلی هستیم، اما یک خانواده هستیم. حتی شاید بعضا از همین دست نمونه‌های ما خانواده بودن ما برهمه هم‌استانی‌ها محترم و عزیز است. بعضا دیده‌ام در سیستان‌وبلوچستان میهمان‌های یک‌ماهه دارند تا روز آخر همچون روز اول استقبال می‌کنند. برای ما که در تهران زندگی می‌کنیم اصلا قابل فهم نیست.

چرا توانستیم در روایت واقعیت جامعه سیستان‌وبلوچستان خوب عمل کنیم؟

گوهرشناس نیستیم که این گوهر زیبای درون مردم سیستان‌وبلوچستان را بفهمیم و روایت بکنیم. شاید واقعا صداوسیمای ما، فضاهای رسانه‌ای ما نیز در این تبعیض مقصر باشد. همین الان فیلم‌های سینمایی ناجوانمردانه‌ای ساخته می‌شود و می‌خواهد واقعه‌ای را روایت کند اما عرضه ندارد که زیبایی‌های مردم سیستان‌وبلوچستان را روایت کند. یک‌بار از کارگردان‌هایی که در سال‌های اخیر فیلم ساخته بود، پیام دادم و گفتم روز قیامت چگونه می‌خواهید پاسخ این روایت‌های غیرمنصفانه‌ای که از مردم سیستان‌وبلوچستان کردید را بدهید. ما باید به خداوند متعال پناه ببریم و استغفار دسته‌جمعی کنیم که این همه زیبایی مردم سیستان‌وبلوچستان را روایت نکردیم. متاسفانه در فضای رسانه‌ای ما سیستان‌وبلوچستان به‌شدت بد روایت شد. سیستان‌وبلوچستان به کسانی شناخته شده که از آن فرزندان سیستان‌وبلوچستان کشته شدند برای اینکه اینها را بیدین بروند اما متاسفانه همان افراد تبدیل به نمادهای شناخت سیستان‌وبلوچستان شده‌اند. ما باید به خدا پناه بیریم و قیامت حتما باید پاسخ بدهیم که چرا در مقابل این ظلم بزرگ و تبعیض سکوت کردیم.

همان‌طور که گفتید مردم سیستان‌وبلوچستان در کمک به پیروزی انقلاب اسلامی موثر عمل کرده‌اند. آیا انقلاب اسلامی نیز متقابلا توانسته در بهبود اوضاع زندگی آنها موثر واقع شود؟

بدون اغراق استضعاف به معنای ضعیف نگه داشته شدن در آنجا بوده است. قبل از پیروزی انقلاب تعداد کل افرادی که در منطقه سیستان‌وبلوچستان تا مقطعه کارشناسی تحصیل کرده بودند کمتر از تعداد انگشتان یک دست بود. با همه ضعف‌هایی که شاید در همه‌جای کشور باشد و در این استان نیز وجود دارد اگر بخواهیم از حق نگذریم باید بگوییم که در جامعه امروز سیستان‌وبلوچستان بخش خوبی از این استضعاف حل شده است. از اول که پیروزی انقلاب رقم خورد با اینکه بخش زیادی از جامعه ایران متشکل از شیعیان است جمهوری اسلامی برای خودش شناسنامه تک مذهبی فراهم نکرد. نه درگام امام بزرگوار و نه در کلام رهبر انقلاب شناسنامه تک‌مذهبی از جمهوری اسلامی نمی‌بینیم. امروز ما خانم اسلامی نسبتی از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم که سفیر کشورمان است. رابین فرهنگی که یکی از کشورها از اهل سنت سیستان‌وبلوچستان است. در همه شهرهای منطقه سیستان‌وبلوچستان به وفور فرماندار، شهردار و بخشدار بلوچ داریم. در دانشگاه‌های تهران ما هیئعلمی اهل سنت از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم. این فضا نشان از پیشرفت و این باب دارد و باید قدردان خدای متعال باشیم. این مواردی هم که گفتم از باب این نبود که خدای نکرده بگوییم جمهوری اسلامی برای تهیه این فرصت منتی بر سر مردم داده است. این وظیفه است. اصل جمهوری اسلامی چیزی جز فرصت دادن به مردم نیست. چیزی جز اراده یک ملت برای اینکه بنده خدا باشد و برده غیر خدا نباشد نیست. لذا منتی نیست. آنچه عرض کردم برای این بود که فرصت به‌وجود آمده درک شود و باید خدا را شاکر باشیم بابت آنچه امروز به دست آمده است.

حضور علما و شخصیت‌های انقلابی که پیش از انقلاب به این منطقه تبعید شده‌اند، چقدر توانسته در ایجاد روحیه انقلابی مردم سیستان‌وبلوچستان موثر واقع شود؟

استفاده از گسل‌های قومی و مذهبی همیشه لقمه چربی برای طواغیت بوده لذا می‌بینیم که قبل از انقلاب سلسله طاغوت و پهلوی خیلی از علمای ما را به منطقه سیستان‌وبلوچستان تبعید کردند تا اینها در منطقه اهل سنت فرصت بروز نداشته باشند یا به اختلاف‌های قومیتی دامن‌زده شود. همین امر اما تبدیل به عامل آشنایی مردم آنجا با انقلاب اسلامی شد. یک فرد خیلی انقلابی را می‌شناسم که در زمان تبعید استان و شهر آنجا بوده است. نشسته بودم که در منزل‌شان را زدند. رفتم در دیدم یک طلبه سید یک گونی آرد آورده بود و طلبه که رهبر انقلاب بودند باعث آشنایی این فرد با انقلاب بودند. یا ملا حضرت آیت‌الله مکارم در چابهار تبعید بودند. در نیکشهر عزیزان انقلابی را می‌بینیم که اینها جزء همراهان آیت‌الله مکارم در زمان تبعید ایشان در چابهار بودند. خیلی طولی هست عمدا رحمت خودم را نمی‌کشم که بگویم که در دوران انقلاب اسلامی هم نمونه‌های زیادی در استان وجود داشته است و در واقع از بی‌عرضگی‌ها ما نباید به توانستیم خیلی از این موارد روایت کنیم. مثلا وزیر جوانی که در یک خانه بزرگ شده، همان خانه‌های قدیمی زاهدان که هر اتاق یک خانواده است و یک شیعه و دیگری سنی بود؛ یک زرابطی یکی بلوچ. اینها با هم بزرگ شدند، مدرسه رفتند با هم جبهه رفتند. یکی شهید شد، آن یکی جانباز شد. این وقاحت منطقه سیستان‌وبلوچستان است و وقور از این موارد داریم و نتوانستیم اینها را روایت کنیم و متاسفانه دشمنان ما روایت کردند و ما هم مرافعت نکردیم که حوزه علمیه استان سیستان‌وبلوچستان زحمتش را کشیده است. جهاد سازندگی از پیشانی شناخت مردم استان سیستان‌وبلوچستان با انقلاب بوده است و چه آشنایی خوب و صادقانه‌ای. شهید سبیل اخلاقی در یک منطقه محروم و دورافتاده چگونه انقلاب اسلامی را شناخته است. برای خود من سوال بود. چندین بار این توفیق را پیدا کردم خدمت پدر و مادر بزرگوار شهید برسم. یک بار، که به منزل‌شان رفتم پرسیدم. مادرش می‌گفت یکی از بچه‌های جهاد اینجا بودند من نان برایشان می‌پختم و پسر من با بچه‌های جهاد با انقلاب آشنا شد. بعد از انقلاب هم صحنه‌های زیبایی از شکست طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن می‌خواست با یک خانواده ضدانقلاب در یک خانه بزرگ شده، همه طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن از یک جبهه‌ حرکت نگذشته و آن، استفاده از هر قومیتی، مذهبی و اقلیمی برای ضدیت با انقلاب بود. اما با انقلاب هم صحنه‌های زیبایی از شکست طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن می‌خواست با یک خانواده ضدانقلاب در یک خانه بزرگ شده، همه طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن از یک جبهه‌ حرکت نگذشته و آن، استفاده از هر قومیتی، مذهبی و اقلیمی برای ضدیت با انقلاب بود. اما با انقلاب هم صحنه‌های زیبایی از شکست طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن می‌خواست با یک خانواده ضدانقلاب در یک خانه بزرگ شده، همه طرح دشمن را در سیستان‌وبلوچستان می‌بینیم. دشمن از یک جبهه‌ حرکت نگذشته و آن، استفاده از هر قومیتی، مذهبی و اقلیمی برای ضدیت با انقلاب بود.

حضور علما و شخصیت‌های انقلابی که پیش از انقلاب به این منطقه تبعید شده‌اند، چقدر توانسته در ایجاد روحیه انقلابی مردم سیستان‌وبلوچستان موثر واقع شود؟

استفاده از گسل‌های قومی و مذهبی همیشه لقمه چربی برای طواغیت بوده لذا می‌بینیم که قبل از انقلاب سلسله طاغوت و پهلوی خیلی از علمای ما را به منطقه سیستان‌وبلوچستان تبعید کردند تا اینها در منطقه اهل سنت فرصت بروز نداشته باشند یا به اختلاف‌های قومیتی دامن‌زده شود. همین امر اما تبدیل به عامل آشنایی مردم آنجا با انقلاب اسلامی شد. یک فرد خیلی انقلابی را می‌شناسم که در زمان تبعید استان و شهر آنجا بوده است. قبل از پیروزی انقلاب تعداد کل افرادی که در منطقه سیستان‌وبلوچستان تا مقطعه کارشناسی تحصیل کرده بودند کمتر از تعداد انگشتان یک دست بود. با همه ضعف‌هایی که شاید در همه‌جای کشور باشد و در این استان نیز وجود دارد اگر بخواهیم از حق نگذریم باید بگوییم که در جامعه امروز سیستان‌وبلوچستان بخش خوبی از این استضعاف حل شده است. از اول که پیروزی انقلاب رقم خورد با اینکه بخش زیادی از جامعه ایران متشکل از شیعیان است جمهوری اسلامی برای خودش شناسنامه تک مذهبی فراهم نکرد. نه درگام امام بزرگوار و نه در کلام رهبر انقلاب شناسنامه تک‌مذهبی از جمهوری اسلامی نمی‌بینیم. امروز ما خانم اسلامی نسبتی از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم که سفیر کشورمان است. رابین فرهنگی که یکی از کشورها از اهل سنت سیستان‌وبلوچستان است. در همه شهرهای منطقه سیستان‌وبلوچستان به وفور فرماندار، شهردار و بخشدار بلوچ داریم. در دانشگاه‌های تهران ما هیئعلمی اهل سنت از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم. این فضا نشان از پیشرفت و این باب دارد و باید قدردان خدای متعال باشیم. این مواردی هم که گفتم از باب این نبود که خدای نکرده بگوییم جمهوری اسلامی برای تهیه این فرصت منتی بر سر مردم داده است. این وظیفه است. اصل جمهوری اسلامی چیزی جز فرصت دادن به مردم نیست. چیزی جز اراده یک ملت برای اینکه بنده خدا باشد و برده غیر خدا نباشد نیست. لذا منتی نیست. آنچه عرض کردم برای این بود که فرصت به‌وجود آمده درک شود و باید خدا را شاکر باشیم بابت آنچه امروز به دست آمده است.

چرا توانستیم در روایت واقعیت جامعه سیستان‌وبلوچستان خوب عمل کنیم؟

گوهرشناس نیستیم که این گوهر زیبای درون مردم سیستان‌وبلوچستان را بفهمیم و روایت بکنیم. شاید واقعا صداوسیمای ما، فضاهای رسانه‌ای ما نیز در این تبعیض مقصر باشد. همین الان فیلم‌های سینمایی ناجوانمردانه‌ای ساخته می‌شود و می‌خواهد واقعه‌ای را روایت کند اما عرضه ندارد که زیبایی‌های مردم سیستان‌وبلوچستان را روایت کند. یک‌بار از کارگردان‌هایی که در سال‌های اخیر فیلم ساخته بود، پیام دادم و گفتم روز قیامت چگونه می‌خواهید پاسخ این روایت‌های غیرمنصفانه‌ای که از مردم سیستان‌وبلوچستان کردید را بدهید. ما باید به خداوند متعال پناه ببریم و استغفار دسته‌جمعی کنیم که این همه زیبایی مردم سیستان‌وبلوچستان را روایت نکردیم. متاسفانه در فضای رسانه‌ای ما سیستان‌وبلوچستان به‌شدت بد روایت شد. سیستان‌وبلوچستان به کسانی شناخته شده که از آن فرزندان سیستان‌وبلوچستان کشته شدند برای اینکه اینها را بیدین بروند اما متاسفانه همان افراد تبدیل به نمادهای شناخت سیستان‌وبلوچستان شده‌اند. ما باید به خدا پناه بیریم و قیامت حتما باید پاسخ بدهیم که چرا در مقابل این ظلم بزرگ و تبعیض سکوت کردیم.

همان‌طور که گفتید مردم سیستان‌وبلوچستان در کمک به پیروزی انقلاب اسلامی موثر عمل کرده‌اند. آیا انقلاب اسلامی نیز متقابلا توانسته در بهبود اوضاع زندگی آنها موثر واقع شود؟

بدون اغراق استضعاف به معنای ضعیف نگه داشته شدن در آنجا بوده است. قبل از پیروزی انقلاب تعداد کل افرادی که در منطقه سیستان‌وبلوچستان تا مقطعه کارشناسی تحصیل کرده بودند کمتر از تعداد انگشتان یک دست بود. با همه ضعف‌هایی که شاید در همه‌جای کشور باشد و در این استان نیز وجود دارد اگر بخواهیم از حق نگذریم باید بگوییم که در جامعه امروز سیستان‌وبلوچستان بخش خوبی از این استضعاف حل شده است. از اول که پیروزی انقلاب رقم خورد با اینکه بخش زیادی از جامعه ایران متشکل از شیعیان است جمهوری اسلامی برای خودش شناسنامه تک مذهبی فراهم نکرد. نه درگام امام بزرگوار و نه در کلام رهبر انقلاب شناسنامه تک‌مذهبی از جمهوری اسلامی نمی‌بینیم. امروز ما خانم اسلامی نسبتی از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم که سفیر کشورمان است. رابین فرهنگی که یکی از کشورها از اهل سنت سیستان‌وبلوچستان است. در همه شهرهای منطقه سیستان‌وبلوچستان به وفور فرماندار، شهردار و بخشدار بلوچ داریم. در دانشگاه‌های تهران ما هیئعلمی اهل سنت از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم. این فضا نشان از پیشرفت و این باب دارد و باید قدردان خدای متعال باشیم. این مواردی هم که گفتم از باب این نبود که خدای نکرده بگوییم جمهوری اسلامی برای تهیه این فرصت منتی بر سر مردم داده است. این وظیفه است. اصل جمهوری اسلامی چیزی جز فرصت دادن به مردم نیست. چیزی جز اراده یک ملت برای اینکه بنده خدا باشد و برده غیر خدا نباشد نیست. لذا منتی نیست. آنچه عرض کردم برای این بود که فرصت به‌وجود آمده درک شود و باید خدا را شاکر باشیم بابت آنچه امروز به دست آمده است.

چرا توانستیم در روایت واقعیت جامعه سیستان‌وبلوچستان خوب عمل کنیم؟

گوهرشناس نیستیم که این گوهر زیبای درون مردم سیستان‌وبلوچستان را بفهمیم و روایت بکنیم. شاید واقعا صداوسیمای ما، فضاهای رسانه‌ای ما نیز در این تبعیض مقصر باشد. همین الان فیلم‌های سینمایی ناجوانمردانه‌ای ساخته می‌شود و می‌خواهد واقعه‌ای را روایت کند اما عرضه ندارد که زیبایی‌های مردم سیستان‌وبلوچستان را روایت کند. یک‌بار از کارگردان‌هایی که در سال‌های اخیر فیلم ساخته بود، پیام دادم و گفتم روز قیامت چگونه می‌خواهید پاسخ این روایت‌های غیرمنصفانه‌ای که از مردم سیستان‌وبلوچستان کردید را بدهید. ما باید به خداوند متعال پناه ببریم و استغفار دسته‌جمعی کنیم که این همه زیبایی مردم سیستان‌وبلوچستان را روایت نکردیم. متاسفانه در فضای رسانه‌ای ما سیستان‌وبلوچستان به‌شدت بد روایت شد. سیستان‌وبلوچستان به کسانی شناخته شده که از آن فرزندان سیستان‌وبلوچستان کشته شدند برای اینکه اینها را بیدین بروند اما متاسفانه همان افراد تبدیل به نمادهای شناخت سیستان‌وبلوچستان شده‌اند. ما باید به خدا پناه بیریم و قیامت حتما باید پاسخ بدهیم که چرا در مقابل این ظلم بزرگ و تبعیض سکوت کردیم.

همان‌طور که گفتید مردم سیستان‌وبلوچستان در کمک به پیروزی انقلاب اسلامی موثر عمل کرده‌اند. آیا انقلاب اسلامی نیز متقابلا توانسته در بهبود اوضاع زندگی آنها موثر واقع شود؟

بدون اغراق استضعاف به معنای ضعیف نگه داشته شدن در آنجا بوده است. قبل از پیروزی انقلاب تعداد کل افرادی که در منطقه سیستان‌وبلوچستان تا مقطعه کارشناسی تحصیل کرده بودند کمتر از تعداد انگشتان یک دست بود. با همه ضعف‌هایی که شاید در همه‌جای کشور باشد و در این استان نیز وجود دارد اگر بخواهیم از حق نگذریم باید بگوییم که در جامعه امروز سیستان‌وبلوچستان بخش خوبی از این استضعاف حل شده است. از اول که پیروزی انقلاب رقم خورد با اینکه بخش زیادی از جامعه ایران متشکل از شیعیان است جمهوری اسلامی برای خودش شناسنامه تک مذهبی فراهم نکرد. نه درگام امام بزرگوار و نه در کلام رهبر انقلاب شناسنامه تک‌مذهبی از جمهوری اسلامی نمی‌بینیم. امروز ما خانم اسلامی نسبتی از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم که سفیر کشورمان است. رابین فرهنگی که یکی از کشورها از اهل سنت سیستان‌وبلوچستان است. در همه شهرهای منطقه سیستان‌وبلوچستان به وفور فرماندار، شهردار و بخشدار بلوچ داریم. در دانشگاه‌های تهران ما هیئعلمی اهل سنت از منطقه سیستان‌وبلوچستان داریم. این فضا نشان از پیشرفت و این باب دارد و باید قدردان خدای متعال باشیم. این مواردی هم که گفتم از باب این نبود که خدای نکرده بگوییم جمهوری اسلامی برای تهیه این فرصت منتی بر سر مردم داده است. این وظیفه است. اصل جمهوری اسلامی چیزی جز فرصت دادن به مردم نیست. چیزی جز اراده یک ملت برای اینکه بنده خدا باشد و برده غیر خدا نباشد نیست. لذا منتی نیست. آنچه عرض کردم برای این بود که فرصت به‌وجود آمده درک شود و باید خدا را شاکر باشیم بابت آنچه امروز به دست آمده است.

ادامه از صفحه ۱۴

مردم خودمان هستند برادر، خواهر خودمان هستند. باید روی روایت درست از مساله ۸ مهر که در زاهدان رقم خورد، حساس باشیم. حتما باید مراقبت می‌کردیم اما بعضا چنین نبود و اخیرا غلط، دروغ و ناجوانمردانه از واقعیت حادثه زاهدان منتشر شد که حتما بیشتر از حادثه ۸ مهر کام مردم را تلخ کرد. بعد از آن با کمی فاصله زمانی و با دستور صریح رهبر انقلاب، هیاتی به آنجا فرستاده شد، برای اینکه عدالت رعایت شود، چون حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد حتما زوایای مختلفی دارد. این زوایا نیاز به بررسی در محکمه عدالت دارد، بدون اینکه تصور کنیم بخشی شاید نسبت بیشتری با ما داشته باشند، نه، همه اینها فرزندان این ملتند. اگر کسی خطایی کرده و جرمی مرتکب شده از هر طرفی که باشد، باید به هر مرجالت با عدالت است. این مطالبه هنوز هم وجود دارد که اگر خطایی شده - که حتما شده- اگر کسی تحریکی کرده، مسئولی مدیریت درستی در صحنه نداشته باید پیگیری و مجازات شود. این زخم کمی نیست، تعداد زیادی از مردم بی‌گناه و نیروهای نظامی که کشته شده‌اند، فرزندان این ملتند. عزیز دارند و واقعا زخم اینها، زخم کم‌عمقی نیست و حتما یکی از مهم‌ترین عوامل التیام این زخم‌ها، بررسی صریح، عادلانه و صادقانه ماجرای ۸ مهر با توجه به همه جوانب قضیه است. بنده خواهشم از همه مسئولان ذی‌ربط در این مساله این است که در اجرای عدالت هیچ گونه سهل‌انگاری صورت نگیرد. رهبری عزیز در این رابطه تعبیر دقیقی دارند و فرموده‌اند آن مسئولی که در مقابل فساد داخلی حساسی نیست، در مقابل دشمن خارجی هم نمی‌ایستد. شمشیر عدالت‌خواهی انقلاب اسلامی در مقابل فساد داخلی و بین‌المللی هر دو لبه‌اش فعال است و ان‌شاءالله اجازه نخواهیم داد به بهانه مشکلات و کدورت‌های داخلی، وجه بین‌المللی عدالت‌خواهی انقلاب اسلامی و مبارزه با ظلم کند شود. اینکه برخی بخواهند به بهانه اشکالات داخلی، شمشیر هویتی انقلاب اسلامی، در عرصه بین‌المللی و مبارزه با ظلم‌پذیری به نام رژیم صهیونیستی را کند کنند، آنان به تبیین قرآن مرتدند و به ارتداد رسیده‌اند. به برکت خون ۱۱ هزار شهید اهل سنت، دشمن آرزوی جنگ بین شیعه و سنی و اقوام را در ایران به گور خواهد برد و ان‌شاءالله در سیستان‌وبلوچستان هیچ وقت این اتفاق نخواهد افتاد.

شما دو موضوع را مورد اشاره قرار دارید، یکی بحث اتفاقی بود که در چابهار رخ داد که جامعه مندین استان متاثر از این اتفاق برانگیخته شد. در اذهان هم که به آن اشاره کردید، پذیرش رفتار غلط و محکومیت برخی فرماندهان و مسئولان وقت پاسگاه انتظامی را داشتیم، به نظر شما برخورد کاملی با افرادی که مقصر شناخته شدند، صورت گرفته است؟

اینکه جامعه بپذیرید به مرحالت رفتار شده و می‌شد که شاهد خواهیم بود این گسل‌ها هم‌چیز را از بین خواهند برد. دشمنی دشمنان که بر ما پوشیده نیست. می‌دانیم که همه تلاش خود را برای ایجاد زلزله‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی در ایران انجام می‌دهند اما باید جلوی گسترش گسل‌ها ایستاد. متاسفانه عقلانیت بزرگ انقلاب اسلامی در برخی‌ها هنوز فعال نشده است. بعضا مانند بچه‌هایی رفتار می‌کنند که به‌خاطر شکستن یک اسباب‌بازی در یک خانه حس می‌کنند آن خانه باید بر سر ساکنانش خراب شود. حتما نباید اجازه میدان‌داری به این کودک‌عقل‌ها داد. اینها بعضا جثه بزرگی هم دارند اما با عقل‌های کوچک و کودکانه خود جامعه را به ورطه نابودی می‌برند. متاسفانه در طرفین قضیه شاهد حضور و حتی میدان‌داری چنین افرادی هستیم. جامعه عاقل و بالغ ایران باید به سختی با میدان‌داری این افراد مقابله کند، وگرنه جامعه دچار منازعات کودکانه‌ای می‌شود که تبعات جبران‌ناپذیری خواهد داشت. جالب اینجاست که هنگام رخ دادن این تبعات همین افراد طلب‌کار جمهوری اسلامی خواهند بود، فلذا امروز مومنین عاقل در طرفین قضیه نباید اجازه دهند که گسل‌های اجتماعی بزرگ‌تر شوند و اگر دلخوری و کدورتی هم وجود دارد باید همه دست‌به‌دست هم دهیم تا برطرف شود، حتی اگر به قیمت آبروی ما تمام شود وگرنه به‌دانیم که دشمن امروز عزم کرده که در این کشور دعوا راه بیندازد و جایی هم که کدورت وجود دارد فرصت خوبی برای ایجاد دعوا و درگیری مهیاست. افرادی که تریبون دارند باید بیش از پیش مراقبت کنند. با عربده‌کشی و رجزخوانی‌های کودکانه هیچ مساله‌ای حل نمی‌شود، امروز کشورمان به‌شدت به همدلی نیاز دارد. همدلی این ملت است که سبب نزول رحمت و سکینه الهی می‌شود، فرصت نزول رحمت الهی را نباید از ملت گرفت.

به نظر شما چگونه باید به‌سمت ایجاد همدلی بیشتر بین جامعه پیش‌رفت؟

سند نکته اصلی وجود دارد؛ اول آنکه رسانه‌ها باید کمک کنند تا مخاطبان از همه اقشار جامعه به دور از عصبیت‌های جاهلی با واقعیت روبه‌رو شوند که متاسفانه امروز در این زمینه در هر وطرفی نقص جدی وجود دارد و روایت‌های درستی که ناشی از تعصب‌های جاهلی نباشد کم شنیده می‌شوند. همین مساله باعث می‌شود تا اعتماد مردم به روایت‌ها از وقایع کم شود. بعضی‌ها فلسفه وجودی‌شان را قلب واقعیت تعریف کرده‌اند؛ جامعه باید با اینها برخورد کند. نکته دوم آنکه روی اجرای عدالت حساس باشیم ولو اینکه به‌ضرر هر کدام از ما باشد. با عدالت است که حاکمیت مستقر می‌ماند. نکته آخر هم اینکه همه باید تلاش کنیم دلخوری‌ها و کدورت‌هایی که وجود دارد با محبت صادقانه از بین برود. اگر بتوانیم بر این سه پایه استوار باشیم به لطف خدا آینده خوبی در انتظار ما خواهد بود.

ابلاغ تصمیم واحد ثبتی و نقشه و صورت‌مجلس افرازی پلاک ۱۵۸ فرعی از ۳۶- اصلی بخش ۲ ثبت محمودآباد

نظر به اینکه عملیات افرازی پلاک فوق‌الذکر سهمی آقای علی نوذری به اتمام رسیده، به شماره ۲۰۹۶۰۳۲۰۱۰۰۰۰۰۰۱۱۱۰۶۰۲۰۲۰۹۶ و ۱۴۰۲۸۵۶۱۰۰۱۶۰۰۲۰۹۶ تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ و تصمیم واحد ثبتی شماره ۱۴۰۲۰۲۰۴۲۵۷ و ۱۴۰۲۸۵۶۱۰۰۱۶۰۰۲۰۹۶ تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ به دیگر مالکین (ثبت پیوستی) اخطار و ابلاغ می‌گردد تا نسبت به نحوه افراز پلاک فوق اعتراضی داشته باشند می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز پس از رویت نقشه و صورت‌مجلس افرازی و تصمیم واحد ثبتی برابر ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع، اعتراض خویش را به دادگاه عمومی سرخود تسلیم و رسید و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

مبدا ف: ۱۵۸۲۸۶۲

مهدی آزاد- مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد

افراز

آقای علی نوذری مالک مشاعی ۴۵۰ سهم مشاع از ۱۴۳۸۶۰ سهم شندانگ پلاک ۱۸۵ فرعی از ۳۶- اصلی بخش ۲ ثبت محمودآباد تقاضای افراز حصه مشاعی خود را نموده است که پس از ارجاع به نماینده و گزارش ختم عملیات ثبتی و آگهی مربوط به افرازیه شرکاء در موعد مقرر از محل وقوع ملک بازدید و در اجرای ماده ۴ آیین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع نقشه افرازی توسط نقشه‌بردار عامل تهیه و ترسیم و به رییست ثبت ارسال گردید. سپس نقشه افرازی طی شماره ۱۴۰۲۰۲۰۴۲۵۷ و ۱۴۰۲۸۵۶۱۰۰۱۶۰۰۲۰۹۶ به پیوست گزارش گردید. سپس نقشه افرازی طی شماره ۱۴۰۲۰۲۰۴۲۵۷ و ۱۴۰۲۸۵۶۱۰۰۱۶۰۰۲۰۹۶ از شهرداری سرخه درخصوص افراز قطعه مورد تقاضا استعلام به عمل آمده که شهرداری سرخه ضمن تایید وجود رودخانه فصلی، شمشیر ۳۴۵۳ تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۲ افراز قطعه مورد تقاضا را بلامانع و کاربری آن را مسکونی - فضای نیمه‌باز اعلام نموده است. همچنین اداره کل راه‌وشهرسازی شهرستان آبیز طی نامه شماره ۱۴۰۲۰۲۱۴۲۷۷۵ تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۱ و ۱۴۰۲۰۲۱۴۲۷۷۵ تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۱ عنوان داشته که سهمی خواهان حریم رودخانه فصلی واقع در قطعه مورد تقاضا را در محدوده طرح مصوب شهر سرخه و دریافت هزینه‌ها را به اتجام رسانده است. لذا با توجه به اینکه سهمی خواهان از بین دو شماره فرعی ۱۸۵ و ۱۸۶ اصلی بخش ۲ ثبت محمودآباد واقع شده و